

## درآمد

برخلاف پژوهش‌های باستان‌شناسی در غرب، تحقیقات در ممالک شرقی بسیار عقب افتاده بوده و این واقعیت به ویژه در مورد عراق مصداق بیشتری دارد. عراقی که برای مدتی بیش از صد سال است بوسیله کشفیات باستان‌شناسی معرفی شده است. در حدود ۲۵ سال پیش<sup>(۱)</sup> بود که اولین حفاری برای یافتن آثار و بقایای انسانهای دوران سنگ انجام گرفت، و تا این اواخر نیز هیچ‌گونه بررسی و یا تحقیقی در این زمینه در عراق انجام نگرفته است.

هدف از نوشتن این مطالب استوار ساختن اطلاعات اندک و ضعیفی که تاکنون درباره دوران سنگ در عراق به دستمان رسیده، و نیز اهمیت دادن به پژوهش‌ها و کاوشهایی است که خود نویسنده در کردستان عراق انجام داده است.

مهمترین نتایج حاصله از دو فصل حفاری در غار "شانه‌در" دو مورد است:

اول اضافه کردن مقداری اطلاعات تازه باستان‌شناختی که تاکنون درباره ارتباط لایه‌ای خاک در عراق دانسته و داشته‌ایم و دوم: کشف بقایای اسکلت یک کودک در غار شنیدار.

این کار با بودجه و امکانات بروس هاو B. Howe از موسسه "سمشونی" در آن فصل انجام گرفت. برای بار دوم با بودجه و همکاری اداره کل آثار باستانی عراق هر دو گروه اعزامی از موسسه "سمشونی" و "اداره کل آثار باستانی عراق" کاوش انجام گرفت. لازم است یادآوری کنم که در اینجا بسیار مدیون "دکتر ناچی الاصلیل" مدیر کل آثار باستانی عراق می‌باشیم که شخصاً کارهای ما را با صمیمیت و حساسیت ویژه‌ای دنبال می‌کرد و هر آنچه از کارگر و کارگزار و ابزار که لازم داشتیم در دو فصل حفاری در غار شانه‌در و سایر مکانها در اختیار ما می‌گذاشت.

لازم است عرض کنم که این گزارش، گزارشی مقدماتی است و اطلاعات حقیقی و کامل هنوز آماده نمی‌باشد.

در دو فصل کاوش نزدیک به  $\frac{1}{5}$  کل غار، کاوش شد در فصل اول ترانسه‌ای باز شد و در فاصله روزهای «16-6 اکتبر، 2-15 نوامبر و 27-14 دسامبر 1951» روی آن کار شد. در فصل دوم که در فاصله روزهای 29-9 مایس (مه)، 29-6 حزیران (ژوئن)، 20 تموز (جولای) و 15 آب (اوت) 1953 انجام گرفت، ترانسه به خاک بکر رسید.

کشف آثار این اسکلت در غار شانه در و در مکانی معقول، چهارمین مکان کشف انسان نئاندرتال در قاره آسیا، این را می‌رساند که وجود بقایای اسکلت آن کودک در رسوبات دوران موستری، متعلق به یکی از نژادهای نئاندرتال بوده و اولین اسکلتی است که از دوران سنگ در عراق یافت می‌شود.

تمام افقهای جدید دانش باستان‌شناسی دوران سنگ خود را در آینه ابزار و وسایل ساخته شده‌ای می‌بینند که در لایه‌های دوران سنگ، معروف به "صنعت برادوست، یافته شده‌اند.

واژه عراق در زبان عربی به معنای "کمرکش کوه" است. این اسم در اصل برای منطقه‌ای بکار می‌رفته که توسط اقوامی از عرب تسخیر شده بود. قسمتی از آن ناحیه که بین دو رودخانه دجله و فرات قرار گرفته، در ادبیات قدیم به بابل مشهور بوده و اکنون جنوب عراق را شامل می‌شود و اسم عراق به آن منطقه یعنی جنوب بین‌النهرین اطلاق می‌شده است. عراق کنونی به آن منطقه جغرافیایی اطلاق می‌شود که شرق نزدیک را در بر گرفته و در دوره‌ای به آن بین‌النهرین گفته می‌شده که تحت سلطه

امپراطوری عثمانی قرار داشته و به معنای سرزمین بین دو رودخانه می‌باشد. و آن نیز قسمتی از ناحیه‌ای است که به "هلال خصیب" مشهور است که دوران شکوفایی و زوال تمدنهای سومر، اکد، بابل، آشور، ایران و یونان را به خود دیده است.

## فیزیوگرافی و جغرافیای طبیعی عراق

عراق از نظر شکل طبیعی به سه ناحیه تقسیم می‌شود: ۱- مرزهای شرقی دشت عربی که نام عراق از تپه‌ها و کمرکش‌های این ناحیه گرفته شده است و منطقه‌ای بی‌حاصل را شامل می‌شود.

۲- زمین‌های هموار و حاصلخیز بین رودخانه‌های دجله و فرات، حد فاصل دشت آسیای صغیر و خلیج عربی<sup>(۲)</sup>

۳- سلسله جبال زاگرس که ارتفاعات آن به ۱۲ یا ۱۴ هزار پا از سطح دریا می‌رسد و دره بین‌النهرین را در ناحیه‌ای به طرف شمال و شرق می‌گستراند.

رودخانه‌های دجله و فرات با شاخه‌هایشان، بویژه دجله که شاخه‌های زیادی در شمال به آن می‌پیوندد. نواحی جنوب دشت بین‌النهرین در همواری و طول و عرض، مشابه یک میز است، در صورتی که بخش شمالی کشور که از بغداد به طرف بالا کشیده می‌شود دارای مناطقی ناهموار و چاله‌ای، و مناطق بیابانی دارای تپه ماهور، چهره زمین را تشکیل می‌دهند. در بخش شمالی عراق منطقه‌ای دشت مانند و دیمی و بی‌دار و درخت وجود دارد که دارای آب و هوایی خشک شبیه آب و هوای اکثر مناطق



نتیجه این پژوهش‌ها عکس نظریات دموورگان را معلوم می‌کند، که دجله و فرات و رودخانه‌های قرنه برای تشکیل یک دلتای معمولی به پیش نمی‌روند. در عوض این رودخانه‌ها تمام رسوبات خود اعم از گل و لای را در عمق دریای گمشده می‌ریزند، و این حقیقت که در زمان یک‌جانشینی انسان و سکونت او در شمال بین‌النهرین، خلیج فارس به طرف شمال پیشروی کرده هرگز وجود نداشته است.

این نظریه که با وجود اثبات نشدن آن، نزد باستان‌شناسان معمول شده، با لحاظ کردن تئوریهای دموورگان بوده که بر طبق آن انسان دوران سنگ ناچار بوده که در کناره‌های بلندترین نقاط خلیج رفت و آمد خود را به طرف نزدیکی‌های شمال بین‌النهرین داشته باشد. اکنون می‌توانیم این گونه حدس بزنیم که انسان دوران سنگ توانسته با پاپوش و چارق سفت و محکم در طول و عرض دشت‌ها و بلندی‌های بین‌النهرین رفت و آمد کرده همانطور که بعداً نیز به آن اشاره می‌شود.

موضوعی که برای دیرین‌شناسان پیش از تاریخ درباره "ژئوکرونولوژی" (زمین - گاه‌نگاری) اهمیت فراوانی دارد، عبارت است از مشخص کردن چگونگی تشکیل و ایجاد خشکی (زمین) در ادوار بسیار کهن و دورانی که هنوز بشری وجود نداشت تا ساکن آن خشکی‌ها شود. در میان خشکی‌ها نمایان‌تر از همه کناره‌های سخت شده دریاها و سکوها و خشکی‌های درهم فشرده و حجیم آبی و تپه‌های آبرفتی فشرده شده بیرون از آنها و کناره‌های دریاها می‌باشند. در این مقاله از سکوه‌های درهم فشرده زیر آب بحث نشده زیرا موضوع بحث ما نمی‌باشند.

حقیقت امر این است که به نظر می‌رسد چندین مشکل عمده وجود داشته‌اند که هیچ ارتباطی بین نقاط مرتفع آبرفتی و سکوه‌های آبرفتی زیر آب خلیج فارس که هر دو رودخانه شمالی بین‌النهرین در آن می‌ریزند و آن نقاط مرتفع آبرفتی و تراس‌های آبرفتی که اطراف رودخانه‌های همان ناحیه قرار دارند وجود ندارد. لیس و فالکون خاطر نشان می‌کنند که هیچ‌گونه تغییر و تحول جدیدی بر روی نقاط مرتفع آبرفتی در اطراف خلیج فارس روی نداده، چرا که آن لرزشها و تکانهای بالقوه فعال که بر خط کانالهای دریاها هستند هنوز فعال و کارا می‌باشند. نقاط خاموش و ته‌نشین شده کناره‌های دریاها به هم نزدیک شده و شکافی را تشکیل داده‌اند که با توجه به شرایط آن نقاط دره‌ای و سکوه‌های آبرفتی شیب‌دار و نقاط گرد به هم نزدیک شده و این شکافها به مجاورت هم رسیده‌اند.

اچ.ئی. رایت *H. Wright* متخصص زمین‌شناسی که به همراه گروه اعزامی موسسه شرقی شیکاگو در سال ۱۹۵۱ به عراق رفته بود. این مطلب را خاطر نشان می‌کند که در هیچ یک از دوران‌های شناخته شده زمین‌شناسی در کردستان عراق تپه‌های آبرفتی کناره‌ها با تپه‌های آبرفتی که اکنون در دریا قرار گرفته‌اند به طرف همدیگر پیشروی نکرده و به مجاورت هم نیز نرسیده‌اند. در نواحی شمالی بین‌النهرین ردیفی از نقاط سکو مانند و حجیم را می‌بینیم که به طور چشمگیر در اطراف رودخانه فرات، دجله و زاب بزرگ قرار گرفته‌اند.

برای «پاسیمار» معلوم شده که در طول رودخانه فرات تپه‌های حجیمی به ارتفاع ۱۰۰، ۶۰، ۳۰ و ۱۵ متر وجود دارند و در همانجا در محل یکی از تپه‌ها که ۳۰ متر ارتفاع دارد تبری دستی پیدا کرده، که ثابت می‌کند در اواخر دوران سنگ این ناحیه پذیرای انسان بوده و انسان در آن ساکن بوده است. همچنین یکی از مراکز زمین‌شناسی نفت عراق در کرکوک اعلام کرده که در یکی از بررسی‌های خود در حد فاصل دو روستای

جنوب‌غربی آمریکا می‌باشد. جنوب عراق نیز ناحیه‌ای گود و باتلاقی است که با یکی از بیابانهای شرقی کوههای غرب ایران هم مرز است.

### دوران پالئوپلیستوسین عراق

اطلاعات مهم برای کسب آگاهی بیشتر ما از دوران سنگ عراق و شرق نزدیک عبارت از بررسی و تحقیقی است که روی نظریه‌ای با این مضمون انجام گرفته است: «احتمالاً روزگاری سطح آب خلیج فارس آنقدر بالا آمده و پیشروی کرده که بین‌النهرین را پوشانده است»

این پیشروی دریایی ممانی بوده بر سر راه قبایل کوچنده پیش از تاریخ. «لیس و فالکون» در مقاله‌ای تازه عنوان کرده‌اند که: در تئوری دموورگان *J. demorgan* که یک تئوری علمی است، وی به این جهت متمایل شده که پیشروی دوران قدیم خلیج فارس در زمانی روی داده که هنوز دوران آنتروپوزوئیک (انسان زیست) آغاز نشده بود.

بالا آمدن و پیشروی آب خلیج فارس به طرف خشکی و آب‌گرفتگی زمین، این را می‌رساند که کوچ قبایل و ساکنین منطقه آن طور ایجاب می‌کرده که در بین قله‌ها و دامنه‌های کوههای زاگرس در شرق و غرب و کناره‌های آنها و دریاها در شمال پراکنده شوند. لیس و فالکون تاکنون هیچ‌گونه سند و مدرکی از وجود آب دریا در هیچ نقطه‌ای از دشت‌ها و ارتفاعات شمال بین‌النهرین که ثابت کند این مکان در گذشته در زیر آب قرار گرفته است، نیافته‌اند.

این دو نویسند پژوهش‌هایی درباره کاوش‌های اماکن باستانی و نیز یافته‌های زمین‌شناسی فیزیکی به همراه عکسهای هوایی انجام داده‌اند.

غار شکارگاه

مکانی از دوران سنگ در کردستان عراق  
و تداوم مستمر دوران سنگ در عراق

راف سولگی  
نوذر حیدری

قسمت روبروی شمال رودخانه واقع شده است.

نتایج پژوهش‌های «پاسنارد Pasnard» «زمین‌شناسان کمپانی نفت عراق»، «هیت چن Hitchen» و نویسنده این گفتار در جدول شماره ۱ آمده است.

به نظر می‌رسد که این سکوها و تپه‌های آبرفتی در پی تغییرات آب و هوایی در دوران پلیستوسین ظهور کرده باشند. همانطور که «هیت چن» حدس زده به نظر می‌رسد که آن سنگهای بدقواره که در میان سکوها و تپه‌های شنی وجود داشتند، سند و مدرکی از دوران یاران‌زایی شدید باشند. رایت معتقد است که براساس شالوده‌های علمی وضعیت آب و هوایی، فیزیوگرافی آن ابزارهای فشرده در خاک با خشکی یا رطوبت آب و هوا، مرتبط است. وجود قضایای گوناگون و عدم شباهت نظرات متفاوت، از شروع بارندگی و آبراهه بودن رودخانه دجله، بیانگر چند جهش و تکان مرکزی می‌باشد. لیس و فالکونر: خاطر نشان کرده‌اند که در محدوده بین‌النهرین (حداقل در شمال شرق) به تازگی معلوم شده که این جهش‌ها و تکان‌ها در نواحی، کوهستانی روی داده‌اند.

سکوها و تپه‌های آبرفتی سکوها مانند در میان دره‌های پرشیب از دشتهای زیرکشت و نقاط هموار به طرف قله‌های مرتفع شروع می‌شوند. ارتفاع قله‌ها و بلندی تپه‌ها همیشگی نبوده بلکه در دوره‌های مختلف از ارتفاع آنها به مرور زمان کاسته شده است. به همین خاطر در اینجا دو ارزیابی درباره سکوها و نقاط مرتفع آبرفتی سکوها مانند رودخانه‌های عراق وجود دارد، اول ارتباط پستی و بلندی و دمای این سکوها با جهش‌ها و تکان کوههای زاگرس می‌باشد. دوم اینکه در قسمت‌های شمال شرقی عراق تاثیر آب و هوا بر روی نقاط سکوها مانند مشهود است.

برای اینکه معلوم شود چه عاملی باعث جانشین نشدن مرحله گرما با جهش‌ها و تغییرات چهره زمین اطراف نواحی شمالی و تاثیرگذاری آن روی تشکیل سکوها و نقاط حجمی آبرفتی در شمال و شمال شرق عراق شده است ممکن است مانند گره کوری که باز نشده همچنان باعث تشویش اذهان بوده و بی‌جواب بماند. رایت امیدوار است در آینده مزده تاسیس یک موسسه تاریخ‌شناسی متکی بر اصول زمین‌شناسی - دیرین‌شناسی - را برای تحقیق و بررسی بر روی کمر بند بین‌النهرین - زاگرس به ما بدهد. رایت در ادامه اظهارات خود می‌گوید: یافتن ارتباط جویبارها و چشمه‌های میان کوهها با غنی ساختن تاریخ دشتهای بین‌النهرین شایسته تجزیه و تحلیل و اکتشاف‌های جدید توسط یک سیستم دراز مدت تاریخ‌شناسی است.

در خلال بررسی‌ها و یافته‌های خود در سلسله جبال زاگرس در بسیاری از نواحی فوقانی شمال عراق هیچ‌گونه سند و مدرکی که بتواند وجود یخبندان در آن نواحی را اثبات کند، نیافتیم.

حتی زمین‌شناسان کمپانی نفت عراق نیز در طی بررسی و کشف‌های خود در آن نواحی هیچ نوع اثر و مدرکی دال بر وجود یخبندان بدست نیاورده‌اند، و نتیجه کارهای آنها تأییدی است بر پژوهشها و نظریات من درباره یخبندان در آن نواحی. وجود آثار یخبندان در کوههای آناتولی توسط دمورگان حدس زده شده، که به احتمال قوی درست می‌باشد. در این اواخر نیز گزارش کاملی مبنی بر مدارک وجود یخبندان در ارتفاعات آناتولی توسط - انریک - برای آرایه آماده شده بود که در همان گزارش وجود یخبندان در کوههای شمال شرقی آناتولی برای انریک ثابت شد. «فلینت» نیز در صفحات ۳۶۲-۳۶۳ گزارش خود، وجود یخبندان در نواحی کوهستانی غرب ایران و نیز کوههای آناتولی را مطرح کرده است.

#### تاریخچه باستان‌شناسی دوران سنگ در کردستان عراق

آثار دیرین‌شناختی دوران سنگ در کردستان عراق، در نواحی کوهستانی و مرتفع و نیز در بیابان و نواحی جنوبی کرکوک به خوبی

«ترجیل» و «رودخانه» در شمال شرقی «تاوق» در کردستان عراق محل ۵ چشمه قدیمی را پیدا کرده‌اند که این ۵ چشمه ۵ سکوی مرتفع آبرفتی را به هم متصل می‌کرده‌اند. این تپه‌های حجیم که در قسمت دامنه آبراهه جویبارهای رودخانه دجله قرار گرفته‌اند، ارتفاع آنها به قرار زیر است: سکوی اول: ۲۸۹ پا، سکوی دوم ۱۹۰ پا، سکوی سوم ۱۱۰ پا، سکوی چهارم ۶۵ و ۵۵ پا، سکوی پنجم ۳۳ و ۲۵ پا.

با یک حدس زمین‌شناسانه برای سدی که لازم بوده بر روی سرچشمه «تنگی یخمه» در ناحیه رواندوز کردستان عراق ایجاد شود، این طور می‌نمایند که می‌بایستی چهار تپه حجیم بر روی رودخانه زاب بزرگ در مجاورت هم قرار گرفته باشند.

انواع تپه‌های آبرفتی و بلندی‌هایی از این نوع، در نواحی شمالی و طول رودخانه زاب بزرگ به طور معجزا سربرافراشته‌اند که ارتفاع و قطر آنها به قرار زیر است: ۹۰-۱۰۰ متر، ۵۰-۴۰ متر و ۱۵-۴ متر.

در بسیاری از نواحی، این تپه‌های آبرفتی به حالت آهک و بتن سفت شده، در آمده‌اند و حد فاصل چاله‌های بین آنها نیز پر از سنگهای عظیمی است که سیلاب رودخانه‌ها در دوران یاران‌زایی شدید، قدرت حمل آنها را نداشته است.

هنگام بازدید و بررسی از غار شانه در توانستم چند نکته مجهول درباره تپه‌های آبرفتی حجیمی که در نزدیکی روستای «شانه‌در» و زاب بزرگ قرار گرفته‌اند را برای خود روشن کنم. با استفاده از یک وسیله دستی ارتفاع دو سکوی بالای رودخانه زاب بزرگ، نزدیک نیم مایلی شمال نقطه‌ای که رودخانه‌های زاب بزرگ و رواندوز به هم می‌رسند، اندازه‌گیری شده است. یکی از سکوها با ارتفاعی نزدیک ۵۰ پا بر روی رودخانه قرار می‌گیرد و سکوی دوم با ارتفاعی کمتر، نزدیک ۵ پا در قسمت شمالی رودخانه قرار گرفته است.

اداره پلیس منطقه «شانه‌در» بر روی یک سکوی مرتفع سخت آهکی به ارتفاع ۱۴۰ پا ساخته شده که در

دوروتی کارود (۱۹۶۸ - ۱۸۹۲)

دوروتی گارود Dorothy

Garrod اندکی پیش از آغاز

کاوش در پناهگاه سنگی

«برج شیطان» در ۲۶ - ۱۹۲۵،

Gibraltar. او به عنوان یک

باستان‌شناس متخصص در

نوره پارینه سنگی

کاوشهایی در فلسطین،

کردستان، بلغارستان،

فرانسه و لبنان انجام داد. در

۱۹۳۹ او Disney Professor

باستان‌شناسی دانشگاه

کمبریج شد. اولین زن

پروفیسوری بود که هم در

آکسفورد و هم در کمبریج

کرسی داشت. بنا به گفته

کلین دانیل، یکی از اجداد او

شخصی بسیار علاقمند،

کاوشگری ماهر و محقق

برجسته بود.



جدول شماره یک

تپه‌های آبرفتی مجاور رودخانه	تپه‌های آبرفتی مجاور رودخانه زاب	تپه‌های آبرفتی حدفاصل در روستای	تپه‌های آبرفتی مجاور
زاب بزرگ. «سولکی»	بزرگ و رواندوز. «هیت چن»	«ترجیل» و «رودخانه». «کمپانی نفت عراق»	رودخانه فرات. «پاسنارد»
—	۹-۱۰۰ متر	۸۰ متر، ۲۸۹ پا، ۸ و ۹۵۱ و ۵۷ (۱۳۰-۱۹۰ پا)	۱۰۰ متر
۹ و ۴۲ متر (۱۴۰ پا)	۳۵-۴۰ متر	۴ و ۳۳ و ۵ و ۳۳ متر (۹۰-۱۱۰ پا)	۳۰ متر
۲ و ۱۵ متر (۵۰ پا)	۱۵ متر	۷ و ۱۶ و ۸ و ۱۹ متر (۵۵-۶۵ پا)	۱۵ متر
۶ و ۷ متر (۲۵ پا)	۴ متر	۶ و ۷ و ۱ و ۱۰ متر (۲۵-۳۵ پا)	—

شده است. فیلد در صفحات ۴۴ و ۱۳۶ و ۱۳۷ گزارش خود خاطر نشان می‌کند که به روش مستند، تعدادی ابزار دوران سنگ را یافته که به شیوه‌ای پراکنده چند ناحیه را در طول کردستان عراق در بر گرفته‌اند. از بین اشیاء یافته شده تعدادی ابزار و وسیله وجود دارند که آنها را در میان شنزراهای کرکوک و راههای کوهستانی و مالرویی «زاخو» و «عقره» و «رواندوز» و «سلیمانیه» به همراه صدها ابزار میکرولیتی در سرازیری دهانه «غار هاودیان» که در چند مایلی شمال غرب رواندوز قرار گرفته، یافته است.

همچنین خاطر نشان می‌کند که چند لایه نازک سنگ چخماق در نزدیکی «هولیر» (اردبیل) و نیز تبری ساخته شده از سنگ چخماق را به همراه تعدادی ساپور در ۲۱ مایلی راه کرکوک به سلیمانیه یافته است.

در همان مسیر تعدادی ابزار توسط اداره کل آثار باستانی عراق و تعدادی نیز توسط «هنری فیلد» در محل «تیرد بَلک»<sup>(۳)</sup> که در همان مسیر قرار دارد یافته شده‌اند. آقای «لیس» کارمند کمپانی نفت عراق تعدادی سنگ چخماق را در اطراف کرکوک یافته، که به نظر می‌رسد متعلق به دوران پارینه سنگی قدیم باشند.

اولین کشف از پارینه سنگی قدیم در سال ۱۲۹۸ توسط دکتر دوروتی گارود طی یک گشت و بررسی مقدماتی در شرق کردستان عراق با همکاری مدارس آمریکایی در زمینه پژوهش‌های پیش از تاریخ انجام گرفت.

مقادیری ابزار دست ساز دوران موستری بر روی دشت‌ها و خاک‌های شنی اطراف کرکوک یافته شد که قسمت اعظم آنها در دره‌ای نزدیک «ترجیل» که در چند مایلی جنوب شرق کرکوک واقع است جمع‌آوری شد. همچنین یک سنگ چخماق، پشت دُذَنقه‌ای نیز در میان یک گودال شنی که توسط جریان آب حفر شده بود یافته شد.

موضوع جالبی خواهد بود اگر سعی کنیم که ارتباطی بین نواحی شنی «ترجیل» با یکی از این سیستم‌های سکویی و آبرفتی تپه مانند، که نقشه آن توسط زمین‌شناسان کمپانی نفت عراق کشیده شده، بیابیم.

گشت خانم دوروتی گارود و تیم همراهش به منطقه سلیمانیه که ناحیه دیگری از کردستان عراق می‌باشد اولین پیشرفتی بوده که ما را به سوی آثار کهنه‌کاری پارینه سنگی در عراق رهنمون می‌کند. بعد از این زمان بود که برای اولین بار آثار گرافیتی دوران فوقانی سنگ و نیز مکانهای باستانی

شناسایی شده‌اند. غیر از چند یافته در قسمت‌های بیابانی غرب و چند یافته در غرب کربلا که شهری مقدس در جنوب بغداد است، هیچ‌گونه اصلاحات درستی از این منطقه در دست نیست. واقعیت امر این است که تاکنون هیچ‌گونه جستجوی کاملی در این نواحی برای یافتن آثار باقیمانده (دوران سنگ) انجام نگرفته است. مهمترین پژوهش‌هایی که در نواحی بیابانی غرب عراق انجام گرفته توسط «هنری فیلد» *Henry Field* بوده که چند نمونه را که متعلق به نواحی بیابانی و ارتفاعات غرب بغداد است، در گشت‌های خود با اتومبیل در طی سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۸ و ۱۹۳۳ تا ۱۹۵۰ جمع‌آوری کرده است.

خانم «دوروتی گارود *Dorothy. A. E. Garrod*» درباره ابزارهای دست سازی که فیلد در بررسی‌های مقدماتی خود جمع‌آوری کرده مطالبی را نگاشته که هنوز منتشر نکرده است. «فیلد» تعدادی ابزار ساخته شده از سنگ چخماق را که قدمت آنها به دوران سنگ میانی و قدیم برمی‌گردد در جنوب کوه آناز واقع در جنوب غربی عراق و نیز تعدادی دیگر را در وادی «خوران» که در دره‌ای طویل در نزدیکی «روتبه» در همان ناحیه می‌باشد، پیدا کرده است.

محل شمار زیادی از یافته‌های دوران سنگ یک منطقه پست وسیع است که «گاره» نامیده می‌شود و ۲۰ مایل بالاتر از شرق «روتبه» واقع شده است. آقای *Rene. Wetzel* نیز در همان ناحیه سنگ چخماقی را یافته که به نظر می‌رسد از نوع دوران سنگ جدید باشد. از میان اشیایی که اکنون در موزه عراق نگهداری می‌شوند چند یافته مشخصی بدست آمده که شباهتهایی با چند سنگ آتش زنه (چخماق) از دوران پارینه سنگی که در بیابانها و ارتفاعات جنوب عراق یافته شده‌اند، دارند. این اشیاء توسط یک افسر نیروی هوایی به نام *C.S.M in al* که اکنون کاپیتان گروه وابسته به نیروی هوایی شاهنشاهی بریتانیا می‌باشد، یافته شده‌اند.

نمونه‌ها از زمینهای فرورفته شماره ۵ و ۴ مابین زمین‌های فرورفته *H.R* بر روی زمین فرو رفته *H* که از راه هوایی حدفاصل «حبانیه» و «اردن» و تعدادی از لایه‌های نازک سنگ چخماق در ناحیه‌ای دور دست در ۲۵ مایلی شمال «عانه» توسط یکی از جستجوگران شرکت نفت عراق یافته

کرکوک واقع است. درباره این مکان، توسط دکتر «ناجی الاصبیل» مطالبی نگاشته شده است. این منطقه توسط تیم متشکل از دکتر رایت و دکتر بروس هاو *B. Howe* و از موسسه شرقی به جای اداره کل موزه‌های عراق مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

کاشگران خندقی را به صورت گسسته به طول ۵۰ متر و عمق ۱ الی ۲ متر حفر کردند ابزارهایی که در برد بُلک یافته شدند به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- تبر دستی ۲- سنگ‌های کف رودخانه‌های که از آنها بعنوان ابزار استفاده می‌کردند ۳- ابزارهای ساخته شده از لایه‌های نازک سنگ. ویژگی این ناحیه عبارت است از تراکم مقادیری ابزار سبک هسته‌ای و قلوه سنگ کف رودخانه‌ای و لایه‌های نازک سنگ خاص همان منطقه، واضح و معلوم است که متعلق به یک دوران هستند. این ابزارها چند گونه از صنعت موستری و آشولی و تاییسی که شباهتهای زیادی به هم دارند را آشکار می‌کنند. (این شباهتها در قلمرو خودشان با توجه به اصل پدیده اکولوژی وجود دارند.) می‌توان این صنعت را که به کهن‌ترین نوع صنعت که تاکنون از دید زمین‌شناسانه یافته شده نسبت داد. بر طبق نظریات رایت مکانهایی که این ابزارهای دست‌ساز در آنها یافت شده، دوران آنها به اوایل آخرین مرحله از چهار دوره یخبندان و رودخانه‌های یخی پلاستوس می‌برمی‌گردد.

در میان بقایای آثار جانوران و حیوانات استخوانهای کرگدن و فیل هندی یافته شده که این آثار در هیچ نقطه دیگری از کردستان بدست نیامده است.

تیم متشکل از «مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو» و «مؤسسه آمریکایی پژوهش‌های شرقی» زیر نظر و مشاوره بریدوود *R. Braidwood* یک فصل بررسی را در منطقه حد فاصل چمچمال - سلیمانیه در شمال شرقی عراق انجام دادند که در این فصل چهار مکان بررسی شدند: چارمو (چرمو)<sup>(۴)</sup>، کریم شهیر (کریم شایر)، پالگار (پاله گوره) و برد بُلک (دربارد برد بلک قبلاً صحبت شد). این مناطق در کوهپایه‌های زاگرس واقع شده‌اند. سایر مکانها همگی متعلق به پیش از نوسنگی می‌باشند. غار پالگار که توسط بروس‌هاو *B. Howe* بررسی و کاوش شده در ۲۰ مایلی جنوب چمچمال واقع شده است دارای سه لایه یکی بعد از دیگری می‌باشد. در لایه تحتانی که در عمق ۱۷۵ متری می‌باشد مقادیری تیغه‌های دست‌ساز وجود داشت که آثار هیچ‌گونه رسوب‌گرفتنی و جرم‌گرفتنی در آنها مشاهده نشد و چند مورد کنده کاری نیز روی آنها انجام گرفته بود که نمایانگر صنعت غار زرزی می‌باشند. در همان ابتدا این ذهنیت در شما بوجود می‌آید که صنعتی که در غار پالگار وجود داشته، دوران آن کمی دیرتر از صنعت غار زرزی می‌باشد. بخش فوقانی پارینه

موستری دوران سنگ میانی در هزار مرد (هزار میرد) کشف شد. لازم به ذکر است مکانهای نامبرده غار می‌باشند. گارود، عمده تلاش خود در هزار مرد (هزار میرد) را بر روی یکی از شش غار که «غار تاریک» نام دارد، متمرکز ساخت. البته تلاشهای وی بی‌ثمر نماند، چرا که مقادیری شنی مهم از دوران سنگ میانی که نمونه این نوع در آن دوران را تشکیل می‌داد پیدا کرد.

هنوز ۲ - ۳ متر ترانشه را حفر نکرده بود که دریافت از سه لایه *A-B-C* تشکیل شده است. لایه *C* که ابزار و اشیاء دست‌ساز را در آن پیدا کرد دارای ضخامتی از ۵۰ cm تا ۳/۹۰ متر بود این طور حدس زده می‌شود که «غار تاریک» هزار مرد در دوران سرما و یخبندان محل سکونت انسان بوده باشد. بررسی‌ها و آزمایش‌های خانم گارود بر روی باقی‌مانده استخوانهای جانوران و احشام روشن می‌کند آن نوع جانورانی که در آن دوران در منطقه وجود داشته‌اند اکنون نیز وجود دارند.

«غار زرزی» که مشرف بر یکی از شاخه‌های رودخانه زاب کوچک می‌باشد، عبارت است از اتاقی کوچک که نقطه مهم آن نیز می‌باشد و از دو لایه *A-B* تشکیل شده است. در لایه *B* بقایای صنعت ابزار سازی دوران سنگ میانی یافته شد که بیانگر این موضوع است که زرزی افق ساخت این نوع ابزار در آن دوران بوده است. ضخامت لایه *B* از ۵۰ cm تا ۱/۵ متر متغیر است. ابزار و وسایل ساخته شده از سنگ چخماق در اکثر نقاط لایه *B* به صورت پراکنده به چشم می‌خورد که تنها نشانه بر جسته تحول و رشد این ابزارها، شیوه‌کننده کاری سنجشی در بخش فوقانی لایه *B* می‌باشد.

چنین ابزارهایی که به صورتی چشمگیر این قسمت را در برمی‌گیرند عبارتند از: رنده، لبه تیغه‌ای، لبه تیغه‌ای شیار خورده، تیغه سنگی، تیغه تخت و نیز چند نمونه پیکانهای یک لبه و کارد پشت پخ نوع میکرولیت‌های قسمت فوقانی لایه عبارتند از: تیغه‌های داسی شکل کوچک، تیغه‌های مثلثی و انبری. این شیوه در ابزار سازی خاصه در میکرولیت‌ها از ویژگیهای دوران سنگ میانی می‌باشند. باستان شناسان اداره کل موزه‌های عراق پرده از مقادیری ابزار پارینه سنگی در بیابانی واقع در شمال‌غربی *Shithatta* در نزدیکی پستی و بلندیهای غرب کربلا برداشته‌اند.

یکی دیگر از کارمندان همان اداره، مؤسسه‌ای را برای تحقیق و تفحص در یکی از نواحی شمال شرقی کردستان - منطقه سو ورداش که دارای غارهای متعددی می‌باشد تاسیس کرد ولی در بررسی‌های به عمل آمده در هیچ یک از این غارها اثری از دوران پارینه سنگی قدیم پیدا نشد. احتمال زیادی وجود دارد که این غارها قبلاً توسط اعضای تیم دکتر گاروود که برای بررسی به این منطقه رفته بودند بررسی شده باشند.

«برد بُلک» یکی از مکانهای باستانی مهم پارینه سنگی قدیم در سرازیری یک تپه می‌باشد که در ۲/۵ مایلی شرق چمچمال و در استان

بسیار کم بود. نزدیک ترین محلی که حدس زده شد به همان شیوه و صورت باشد سکونتگاه پر از گل و لای «تمسا» و غارهای گری‌مالدی بود.

به موازات رسیدن گزارشهای جدید از روسیه و اطلاعات علمی جدید، برای گاروود معلوم شد که صنعت ابزار سازی زرزی، هر چند زمان آن دیرتر بوده، با این حال می‌تواند با صنعت ابزار سازی کوستینک یکم و گارگارینو که در ۶۰۰ مایلی شمال آنجاست مرتبط شود.

در انجام بررسی‌کننده کاریهایی ریز روی سنگ در قسمتهای فوقانی لایه B غار زرزی معلوم شد که این کنده‌کاریها به همان شیوه سنگ چخماق در غار «گفاردھیلاس» (کفاریلاس) کلدیه بوده که قدمت آن نیز به دوران پایانی پارینه سنگی کهن برمی‌گردد.

گارود بر طبق تازه‌ترین اظهاراتش، احساس می‌کند که این تمدن و میراث متمایز و جداگانه برای نشان دادن تصویری کلی و اثربخش از خاور میانه است از طرف دیگر «فاجتر» شباهت مشخصی مابین قسمت فوقانی غار زرزی و دوره پایان اورینگناسی فلسطین و نیز غار گفاردھیلاس کلدیه یافته است.

صنعت ابزار سازی پالگارا نیز مشابه زرزی می‌باشد و تنها تفاوت آنها هم دوره نبودن آنهاست. یعنی قدمت غار زرزی کمی دیرتر از پالگارا می‌باشد. کریم‌شهر صنعت ابزار سازی دوران میان سنگی را که اوج صنعت ابزار سازی و پایان دهنده به آن می‌باشد به ما داده، منتها در دورانی دیرتر. قبل از کشف غار شانه در، ویژگی نادر صنعت ابزار سازی دوران فوقانی اواخر پارینه سنگی قدیم مانند صنعت زرزی با صنعت دوران میان سنگی غار هزارمرد، یک دوره تاریک فرهنگی و تاریخی کهن را برای ما به جای گذاشته که با اهمیت انگاشته نشده است. انسانها در این دوران یک گام بزرگ را به خود دیده‌اند مانند تسلط بر آب و هوا و فیزیوگرافی و جانوران و روشهای ساخت ابزار از سنگ چخماق. به این می‌ماند که هر چه هست و نیست پاک شود و از نو صفحه‌ای جدید را آغاز کنیم. می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که یک تحول روی نوع نژاد انسان پارینه سنگی قدیم در عراق مانند سایر نمونه‌ها و مشابه آن در کوههای کرمل فلسطین انجام گرفته که تاکنون هیچ‌گونه اطلاعاتی را در این باره در دست نداریم.

### پی‌نوشت:

۱- رالف سولکی *Raleph Soleki*، مترجم: دانا عمر، «شکله‌وتی شانه‌دهر... شونیککی چاخی به ردین له کوردستانی عراق و په یوه‌ندی به رده‌وام بوونی چاخی به ردین له غیراقداد». فصلنامه هه‌زار میرد، اداره کل اماکن باستانی وزارت فرهنگ سلیمانیه (اتحادیه میهنی کردستان)، سال دوم، شماره ۶، ۱۹۹۸، صص ۳۸-۴.

۲- متن اصلی مقاله در مجله سومر (۱۹۵۵، ش ۱، صص ۳۱-۱۴) به انگلیسی چاپ شده است.

۱- منظور سال ۱۹۷۳ میلادی است.

۲- کلمه «خلیج عربی» در متن به کار رفته و جهت رعایت امانت به شکل اصلی آورده شد.

۳- «به‌رده به‌لکه (بَرْدَبَلْک) در زبان کردی به معنای سنگ آویزان می‌باشد.

۴- «چهرمو» در زبان کردی به معنای سفید است.

۵- «پاله‌گه‌وره» در کردی به معنای سینه کش بزرگ کوه است. (پال: سینه، کمرکش کوه - گوره: بزرگ).

سنگی قدیم آن به دورانهای میان سنگی تکیه داده است. افسوس که به خاطر چند عامل طبیعی ویژه غار پالگارا این مکان رانمی‌توان با یک دید زمین‌شناسانه به دره چمچمال برگرداند و به همین خاطر نمی‌توانیم آنرا از روی ژئوکرونولوژی (زمین - گاه‌نگاری) این ناحیه محسوب کنیم.

کریم‌شهر یک مکان مسکونی باستانی، به طول ۸۰۰۰ متر و به صورت چهار گوشه است که در ۱/۴ مایلی شمال یک جویبار معروف که به طرف جرمو می‌باشد قرار گرفته است. جرمو (جارمو) تقریباً در ۵ مایلی هوایی از شرق چمچمال واقع شده که توسط بروس‌ها و کاوش و بررسی شده است. این منطقه ظاهراً معرف پایان دوران سنگ میانی و اوایل نوسنگی می‌باشد. این مکان از روی کرونولوژی (گاه‌نگاری) و تیپولوژی (گونه‌شناسی) در حدفاصل جرمو و غار پالگارا واقع شده است. این ناحیه برای زمانی طولانی محل شکار و جمع‌آوری خوراک و علیق بوده است. آثار سکونت چند خانواده نیز به همراه مقادیری ابزار سنگی از جمله تیغه، داس کوچک، دست‌آس، ساطور و ابزار مخصوص کندن گیاه که همگی تیز شده بودند، در این مکان پیدا شده است. این ابزارها که از ابزارهای اولیه کشاورزی به شمار می‌آیند، بیانگر این نکته هستند که این منطقه روزگاری آباد بوده و در آن کشاورزی انجام می‌شده است. در میان ابزارها تعدادی قِزْمِه (کلنگ کوچک) باغیانی، تیشه زکاب داده شده (نوعی محلول شیمیایی) و سنگهای کف رودخانه‌ای حلقوی ریز به همراه تعدادی حلقه و سینه‌آویز و النگو و مواردی کنده‌کاری روی سنگ نیز به چشم می‌خورد. قدمت کریم‌شهر و جرمو به دوران آخرین یخبندان و رودخانه‌های یخ‌سته برمی‌گردد که به خاطر تاثیر آب و هوای خشک اروپا در آن دوران، موسم یخبندان بوده است.

بقایای جانوران و حیوانات در کریم‌شهر و خشکی آب و هوا معلوم می‌کند که اگر با دقت نظر خاصی به تاریخچه باستان‌شناسی دوران پارینه سنگی عراق بنگریم به خوبی معلوم می‌شود که غیر از شانه‌در که قبلاً درباره آن مطالبی گفته شد و در بخش دوم مفصلاً به آن می‌پردازیم، سایر مناطق همه قبل از دوران سنگ عراق، مجموعاً در وسعتی نزدیک ۳۵ مایل در کوهپایه‌های زاگرس، حدفاصل سلیمانیه و چمچمال قرار گرفته‌اند.

این نواحی عبارتند از: بَرْدَبَلْک، غار تاریک در هزارمرد، زرزی، پالگارا و کریم‌شهر. چندین پناهگاه سنگی نیز وجود دارند که بعید می‌دانم بررسی و تحقیق باستان‌شناسی روی آنها به فراموشی سپرده شود. واضح است که در صورت انجام یک بررسی خیلی دقیق در نواحی بیابانی عراق می‌توانیم چندین مکان دوران سنگ را شناسایی کنیم.

مادامیکه بر طبق اظهارات لیس و فالکون این نظریه که «سطح آب خلیج فارس در گذشته بالا آمده و بین‌النهرین را پوشانده» واقعیت ندارد، بدیهی است که ما نیز بر این باور باشیم که انسان دوران سنگ هرگاه خواسته باشد، به تمام نقاط این ناحیه رفت و آمد داشته است و این طور به نظر می‌رسد که نواحی پارینه سنگی قدیم در زیر رسوبات و آب‌رفتهای رودخانه‌های بزرگ دجله و فرات و شاخه‌های آنها قرار گرفته باشند.

نواحی بیابانی که دارای آب و هوایی مناسب هستند، مانند نواحی بیابانی شرق نزدیک که بارزترین آنها نواحی سرسیز «خرجه» در مصر می‌باشد. در دوران باران‌زایی شدید، آب و هوایی بسیار مناسب داشته‌اند به همین علت می‌بایست محل زندگی و شکار انسانها در دوران پارینه سنگی قدیم، بوده باشند.

چند مکان پست و وسیع با طول زیاد در جنوب غربی عراق وجود دارند که دارای ابزارهای دست ساز از نوع پارینه سنگی قدیم بوده که ارتباط آنها با صنعت سنگ میانی هزارمرد و غارهای فلسطین توسط خانم دکتر گاروود نشان داده شده است. ابزارهایی که در غار بیستون واقع در غرب ایران یافته شده‌اند دارای شباهتهایی با ابزارهای غار هزارمرد می‌باشند. زمانی که گاروود اشیاء خود را در غار زرزی یافت، اطلاعات رسیده از روسیه